

بوم رنگ

آیین گشایش نمایشگاه

پوسترهای موسیقی ایران

آیین گشایش نمایشگاه پوسترهای موسیقی ایران و نیز رونمایی از کتاب «دو دهه پوستر موسیقی در ایران» همزمان با آغاز هفته گرافیک در گالری شماره یک فرهنگسرای نیاوران برپا شد. با حضور جمعی از هنرمندان و اصحاب فرهنگ و هنر همچون محمد احصائی، رامین صدیقی، پیمان یزدانیان، سید عباس سجادی مدیر عامل بنیاد آفرینش های هنری نیاوران بر گزار شد، جواد مجابی، شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و هنری، ضمن اشاره به دوران جوانی هنر گرافیک ایرانی طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ آن دهه را دهه ای نادر و طلائی برای هنر و ادبیات ایران دانست و افزود: در آغاز دهه ۴۰ هنرمندانی همچون ممیز و بربرانی، گرافیک ایران را دچار بلوغی پیش رس کرده بودند. اما طی سال های ۴۵ تا ۵۵ گرافیک ایران ویژگی جنبش های نوظهور هنری را در خود داشت، شور مندانه و نیرومند از مراحل نوگرایی و تقلید آثار خارجی عبور کرده و به عرصه نوآوری و استقلال دیدر رسیده بود.

مجابی در ادامه گفت: آفرینشگری در حوزه گرافیک به ویژه در پوستر، خلاف نقاشی، فقط معطوف به کمال هنری و بیان خلاقانه دنیای خود نیست بلکه انجام هدفی جز تحقق خود است. در گرافیک هنرمند در آن واحد با دو حرکت ذهنی مخالف سرو کار دارد. خلق یک اثر کامل هنری که باید تجلی یابد و همان آن پنهان شود تا هدف دوم که موضوع پوستر باشد جلب توجه کند. این حالت متضاد در هم بافته روند آفرینشی هنرمند را دشوار و گاهی مغشوش می کند.

این نویسنده و منتقد هنری در پایان سخنانش ضمن بر شمردن ویژگی های سبک هنری بهزاد حاتم در خلق پوسترهای موسیقی گفت: حاتم که در آغاز عوالم ابداعی نقاشانه اش ذهن و دست راه به خدمت بیان نشانه ها و پیام رسانی بر نامه های موسیقی گمارده بود در پایان زندانه به موسیقی بیان خاص ذهن خود متعهد گردید و این بی نیازی از بازار شهرت و شغل آسان و ارزان به دست نمی آید.



قیاد شیواطراح و گرافیست، یکی از هنرمندانی که آثارش در نمایشگاه پوسترهای قدیمی موسیقی ایران به نمایش در آمده است، پس از جواد مجابی و سخنرانی محمود رضابهمی پور ناشر و مدیر نشر نظر و جواد میر حسینی نویسنده کتاب «دو دهه پوستر موسیقی در ایران» با حضور در جایگاه یادکر این مطلب که آنچه باعث شد که به هنر گرافیک روی بیاورم را تباط با مردم بسود گفت: من همواره به این می اندیشیدم همان گونه که دنیا از گرافیک ژاین یا گرافیک لهستان نام می برد چرا از گرافیک ایران نام نبرد. بنابراین در تمام سفارشات که به من می شد سعی می کردم از فرهنگ بیان غیر مستقیم، که شیوه ای کاملاً ایرانی در فرهنگ و هنر است، در خلق آثارم بهره گیرم. در بعضی جاها بیشتر و بعضی جاها کمتر موفق بودهام. امروز خوشنودم که دیدم فرهنگ نامه بریتانیکا گرافیک ایرانی را توصیف کرده و چند اثر از آثار مرا به عنوان نماینده گرافیک ایرانی منتشر کرده است. این هنرمند در ادامه صحبت هایش گفت: من به سراغ پوستر رفتم چرا که دیگر هنرهای بصری از جلوی چشم ما می گذرند، سینما، تلویز یون، تئاتر و... حرکت دارند اما پوستر رو به روی شما ایستاده است. پوستر می تواند در بیننده ایجاد حرکت کند. پوسترها در تمام دنیا در گیر مسائل تجاری و... می شود اما من سعی کردم در تمام آثارم با توجه به مقوله های فرهنگی قلم بزنم و هنوز هم بر این اعتقاد خود را سخم. گفتنی است نمایشگاه پوسترهای قدیمی ایران، دربرگیرنده آثار بهزاد حاتم، قیاد شیوا و صادق بربرانی، تا ۱۶ اردیبهشت در گالری شماره ۱ فرهنگسرای نیاوران برپاست. علاقمندان می توانند جهت بازدید از آثار این نمایشگاه در روزهای عادی از ساعت ۱۰ الی ۲۱ و در روزهای تعطیل از ساعت ۱۲ الی ۲۱ به فرهنگسرای نیاوران مراجعه کنند.

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه رسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲

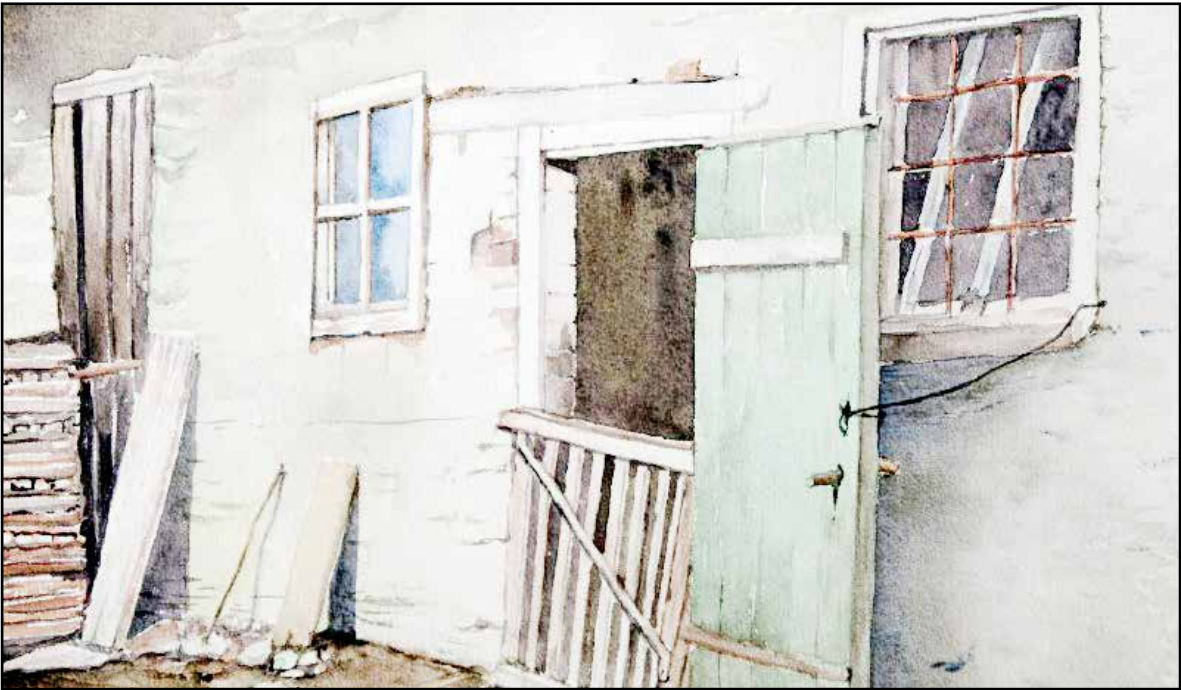
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

toseeirani.ir



گفت و گوی «توسعه ایرانی» با سیمون آیوازیان معمار، گیتاریست، عکاس و نقاش برجسته ایرانی

احساس، مهمترین عنصر هنر است



بهر روز فانتیاز

سیمون آیوازیان متولد ۱۳۲۳ در بندرانزلی با اتمام دوره دبیرستان و پس از فارغ التحصیلی ر رشته معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، پس از چند سال تدریس برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و مدرک دکترای خود را در رشته معماری و باستان شناسی از دانشگاه سوربون پاریس دریافت کرد. او مجدداً در دانشگاه تهران به تدریس رشته ی معماری و در کنار آن عکاسی و موسیقی پرداخت و بالاخره پس از طی مدارج علمی مقام استادی را کسب نمود. آیوازیان در سال ۱۳۸۴، جنگ زرین جشنواره موسیقی فجر را دریافت کرد. او طی دوره دانشگاه همه ساله به عنوان بهترین نوازنده گیتار کلاسیک در مسابقات کشوری انتخاب شده و تا سال ۱۳۵۴ کنسرت های متعددی برگزار کرده است. از آن تاریخ به بعد نوازندگی را کنار گذاشته و

فعالیتش را در این زمینه صرفاً معطوف به پژوهش و تدریس کرده است. از سیمون آیوازیان به عنوان پدر گیتار کلاسیک ایران نام می برند. اما وجوه کمتر شناخته شده این هنرمند فعالیت او در زمینه نقاشی آبرنگ و عکاسی است. گفت و گویی با این هنرمند را که در ادامه می خوانید، بیشتر به همین وجوه اختصاص دارد.

■ شما به عنوان معمار، عکاس، همینطور یک نوازندهٔ چیره دست گیتار کاملاً شناخته شده هستید ولی از نقاشی های تان کمتر می دانیم. از چه موقع نقاشی می کنید؟ خانوادهٔ مادری من در کار نقاشی بودند و از جملهٔ این هادایی مادرم نقاش دربار تزار در روسیه بود. شنیدهام که اخیراً یک غرفه در موزهٔ مسکو به آثار او اختصاص داده اند. یکی از تابلوهای معروف او که بعدها از فرانسه سر در آورد، در مراسم عاشورا در باکو (آذربایجان) نقاشی شده بود. من هم تحت

تأثیر ایشان از پنج سالگی شروع به نقاشی کردم و همینطور ادامه دادم تا در دورهٔ دبیرستان که در مسابقات نقاشی شرکت می کردم و یکی دو بار هم مقام دوم را کسب کردم، اما هیچ وقت اول نشدم (می خندد). بعد از اینکه وارد رشتهٔ معماری شدم حدود ده سالی نقاشی را کنار گذاشتم ولی از سال های دههٔ پنجاه شمسی دوباره شروع کردم به نقاشی کردن و سه چهار نمایشگاه هم از نقاشی هایم ترتیب دادم. در فاصلهٔ سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ و



پس از رفتن به فرانسه برای تکمیل تحصیلات، یک نمایشگاه نقاشی هم در مرکز فرهنگی خاور نزدیک داشتم و البته چند نمایشگاه کوچک تر که آثار عکاسی ام را هم در بر می گرفت در محل های گوناگون در پاریس برقرار کردم.

■ از چه تکنیکی برای نقاشی های تان استفاده می کنید؟ همیشه و از ابتدا با تکنیک آبرنگ

نقاشی کرده ام. یکی دو بار سراغ رنگ روغن رفتم اما دیدم که حوصله اش را ندارم؛ کار با رنگ روغن باید در مراحل مختلف انجام شود و پروسه ای طولانی است، در حالی که من دوست داشتم نقاشی هایم زود به نتیجه برسد. به جز این چون در معماری هم اسکسپس ها را با باب مرکب کار می کردیم دست مان بیشتر به این جور تکنیک ها عادت کرده بود. تکنیک آبرنگ تکنیکی سهل و ممتنع است؛ یعنی اگر به موقع عمل کنی نتیجه درست خواهد بود و اگر نه کار به کلی

خراب خواهد شد و بهتر است که سعی در اصلاح آن نشود.

■ هیچ وقت در زمینهٔ نقاشی آموزش دیده اید؟

نه هیچ وقت. یک آلبوم از کارهای دایی مادرم در خانه بود که اوایل از روی آن ها کپی می کردم. این ها نقاشی های آبرنگی او بود که چون خیلی سریع و به صورت اسکسپس کار کرده بود تکنیک ها را به خوبی می شد تشخیص داد. دورهٔ دانشکده هم که شاگرد مهندس سیحون بودم بارها برای طراحی به طبیعت می رفتم. مهندس سیحون یک اصطلاح را در این سفرها همیشه به کار می برد که «آپشت دست نشین»، ولی ما پشت دست او می نشستیم چون بالاخره آدم باید از استادش چیز یاد بگیرد (می خندد).

■ از مکتب آبرنگ اصفهان که در دهه های سی تا پنجاه شمسی و با آثار نقاشان ارمنی شناخته می شود هم تأثیرهایی گرفته اید؟

اتفاقاً آثار هنرمندان این مکتب مثل «سمبات در کپورغیان» و «رواند نهاپتیان» را خیلی دوست دارم، ولی در آبرنگ های من ریزه کاری قدری بیشتر است؛ البته نه مثل آثار آبرنگ به روش ریزپرداز. در نمایشگاه اخیر یکی دو کار هم به شیوهٔ آزاد دارم ولی موضوع این ها بیشتر طبیعت بی جان است.

■ بعد از بازگشت از فرانسه هم نقاشی را ادامه دادید؟

بله. بعد از بازگشت سه یا چهار نمایشگاه انفرادی نقاشی داشتم و علاوه بر این در دو نمایشگاه گروهی هم شرکت داشتم. یک نمایشگاه در گالری سیحون داشتیم به نام معماران نقاش. دو نمایشگاه هم در گالری کلاسیک دوو نمایشگاه دیگر در گالری والی داشتم. نمایشگاه خبریه ای هم به نفع قربانیان جنگ بوسنی هرزگوین در یک مجتمع ورزشی در انتهای خیابان گیشا بر گزار شده بود و از من دعوت شد تا در آن هم شرکت داشته باشم. متأسفانهٔ ر زومه دقیق نمایشگاه هایم را تهیه نکردام ولی آخرین این ها یعنی نمایشگاهی که در گالری والی داشتم مربوط به سال



گونه او که معروف به آثار پهلوانی اش بود خیلی زود مورد وثوق وارد شد. اگر چه این مجموعه، در میان آثار او یکی از ضعیف ترین هاست اما همین مجموعه منجر شد تا فریدون اوطراح، فریدون اوقناش نیز باشد.

او در نقاشی بسیار کمینه گرا است. او در نقاشی ذائقه ای مینیمالیستی دارد. در نقاشی های اخیرش او به نقش گل، برگ، شاخه و موضوعاتی از این قبیل بسیار می پردازد و به واسطه این آثار نمایشگاه های گسترده ای را ترتیب داده است.

اگر چه چند سال قبل یعنی در سال ۹۲ نمایشگاهی در یادبود معرفی دستاوردهای او در تهران و گالری طراحان آزاد برگزار شد اما نمایشگاه اخیر را می توان در ادامه آن نمایشگاه دانست. جایی که حالا خود فریدون او مجموعه ای از تلاش های خود در عرصه نقاشی را به نمایش در آورده است.

نگاهی به نمایشگاه آثار فریدون آو در «بیرون از دستان»

تغییر دهنده ذائقه هنری ایرانی ها

علیرضا بخشی استوار

نمایشگاه آثار فریدون او هنرمند برجسته ایرانی این روزها در پروژه های بیرون از گالری دستان و در محل گالری وی به نمایش در آمده است. در این نمایشگاه مجموعه ای از آثار او در مدیوم های مختلف هست که نشان دهنده حجم وسیع عملکرد او در عرصه های مختلف تجسمی است. اگر چه او را بیشتر به واسطه طراحی گرافیک و تأثیر عمده اش بر فضای طراحی پوستر می شناسند اما او در زمینه طراحی و نقاشی نیز دستی بر کار دارد. این نکته را می توان در نمایشگاه اخیر و در میان مجموعه آثار او جستجو کرد.

فریدون او نخستین فردی بود که ذائقه بصری ایرانی ها را در پوستر و طراحی گرافیک تغییر داد. پس از یک دوره ممتد که پوسترها در ایران از لحاظ زیبایی شناسی تحت تأثیر نگرش بلوک شرق و به خصوص نگرش های کمونیستی بود فریدون او در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی پس از یک دوره حضور در آمریکا ذائقه گرافیکی مایرانی ها را به سمتی برد که بیشتر درون مایه ها و سویه های پاپ آرت داشت. پاپ آرت در آن دوره به واسطه ظهور برخی افراد و به دلیل در دسترس بودن بسیار اهمیت پیدا کرده بود و سریع تر جافته بود.

اما فریدون او یک تفاوت برجسته داشت. او به واسطه پیشینه